



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی

عنوان:

توصیفِ مشخصه‌های تصریفی فعل در گویشِ مازندرانی (گونه‌ی بابلی)

استادِ راهنما:

دکتر محمدحسین قرشی

استادِ مشاور:

دکتر حسن امامی

نگارش:

ناصر پیرزاد

آذر 1389

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به روح و رحمِ عظیمِ این انسانِ ابدی:

حسینِ نوشیروانی

پیش‌گفتار

لزوم داشتن زبانی واحد و معیار برای حفظ و تحکیم وحدت بین اقوام و گروه‌های مختلف یک جامعه و ایجاد هم‌دلی و ارتباط متقابل میان آن‌ها بر کسی پوشیده نیست. اما این زبان واحد، در جامعه‌ای چون ایران که افراد آن دارای زبان‌های بومی گوناگونی نیز می‌باشند می‌تواند باعث تضعیف، حذف و مرگ تدریجی این زبان‌های بومی که خود بازتاب فرهنگ‌های غنی و متنوعی هستند، گردد. بنابراین یکی از وظایف مهمی که می‌توان برای علم زبان‌شناسی و زبان‌شناس متصور شد، تلاش در جهت حفظ این زبان‌های بومی از راه توصیف هرچه دقیق‌تر آن‌ها است و گویش‌شناسی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی در خدمت انجام این وظیفه‌ی خطیر می‌باشد. در این راستا وظیفه‌ی خود دیدم تا به‌عنوان یکی از گویشوران زبان مازندرانی، در حد دانش و توان خود به این زبان بومی پردازم.

اما این وظیفه‌ی خطیر به انجام نمی‌رسید اگر آموزه‌های بی‌دریغ استادان بزرگوارى چون جناب دکتر علی‌علیزاده، دکتر حسن امامی، دکتر جلیل‌اله فاروقی، دکتر محسن مبارکی و هدایت‌روشمند جناب دکتر محمدحسین قرشی چراغ راه این شاگرد نوآموز نبود. لذا وظیفه‌ی خود می‌دانم که در همین گفتار آغازین از زحمات و راهنمایی‌های بی‌دریغ‌شان کمال تشکر را داشته باشم. با امید به این که این رساله بتواند بازتابی شایسته از آموزه‌های این بزرگواران باشد.

چکیده:

تصريف يکي از پديده‌هاي مهم زباني است که با وجود اهميت آن نزد پژوهشگران غربي، چندان مورد توجه نويسندگان ايراني چه در حوزه ي زبان فارسي و چه در حوزه ي مطالعات گويش‌شناختي که زمينه ي تحقيق حاضر است، قرار نگرفته است. حال آن که بررسي فرايند تصريف و توصيف صريح مشخصه‌هاي تصريف ي زبان کهن ي چون گويش مازندراني که محور اصلي اين تحقيق و تبلور فرهنگ يکي از جوامع زباني زبان‌هاي ايراني است علاوه بر اين که مي‌تواند به شناخت هر چه بيش تر صرف اين زبان و حفظ آن در برابر تأثير و نفوذ زبان رسمي فارسي بينجامد، هم‌چنين به دليل شباهت‌هايي که در زمينه ي تصريف ميان گويش مازندراني و زبان فارسي وجود دارد، مي‌تواند در روشن‌ساختن موارد ابهام در صرف زبان فارسي مؤثر واقع شود. رساله ي حاضر در اين راستا و براساس مباحث نظري مربوط به تصريف و مشخصه‌هاي تصريف ي سعي کرده است تا با توصيف دقيق مقوله ي فعل و تصريف آن در گويش مازندراني، پاسخي روشن براي اين سؤال‌ها بيابد که انواع مشخصه‌هاي تصريف ي فعل در گويش مازندراني کدامند و تبلور هريک از مشخصه‌ها در فعل‌هاي اين زبان چگونه و از چه نوع است. به اين منظور، پس از گردآوري داده‌ها از دو گويشور اين گويش و هم-چنين اطلاعاتي از شم زباني نگارنده که خود از بوميان اين گويش است، به بررسي و توصيف اين داده‌ها پرداخته و به اين نتيجه رسيده است که فعل در گويش مازندراني داراي هفت مشخصه ي تصريف ي زمان، شخص، شمار، وجه، نمود، جهت مجهول و نف ي است که در اکثر موارد داراي تبلور صوري مي‌باشند و اين تبلور بيش تر از نوع وند-تکوازي است.

کلیدواژه‌ها: گويش مازندراني - مشخصه‌هاي تصريف ي - تصريف - فعل

فهرست مطالب

شماره‌ی صفحه

عنوان

فصل اول - بیان مسئله

1-1-1	مقدمه	2
1-1-1-1	بیان مسئله	2
2-1-1	هدف پژوهش	3
2-1-1	ضرورت انجام پژوهش	3
3-1-1	پرسش‌های پژوهش	3
4-1-1	فرضیه‌های پژوهش	4
5-1-1	نوع پژوهش و روش اجرای آن	4
2-1	مبانی نظری گویش‌شناسی	4
1-2-1	گویش و گویش‌شناسی	5
2-2-1	انواع گویش‌ها	6
1-2-2-1	گویش‌های جغرافیایی	6
2-2-2-1	گویش‌های اجتماعی	7

- 7.....3-2-2-1 گویش‌های تاریخی
- 7.....4-2-2-1 گویش معیار
- 8.....3-2-1 افق‌های نوین در گویش‌شناسی
- 8.....1-3-2-1 ماهیت پیوستاری زبان
- 10.....2-3-2-1 گویش‌شناسی شهری
- 11.....3-3-2-1 مجاورت و آمیزش گویش‌ها
- 12.....4-3-2-1 زوال و مرگ گویش‌ها
- 13.....3-1 استان مازندران، زبان مازندرانی و شهرستان بابل
- 14.....1-3-1 موقعیت زبان مازندرانی در میان زبان‌های ایرانی
- 17.....2-3-1 تاریخچه استان مازندران
- 19.....3-3-1 مشخصات جغرافیایی و جمعیتی استان مازندران
- 20.....4-3-1 پیشینه آثار مکتوب به زبان مازندرانی
- 21.....5-3-1 تاریخچه شهرستان بابل
- 23.....6-3-1 موقعیت جغرافیایی و جمعیتی شهرستان بابل

فصل دوم - پیشینه‌ی موضوع

- 25.....1-2 پیشینه‌ی مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی زبان مازندرانی

2-2 خلاصه و نتیجه‌گیری.....37

فصل سوم - داده‌های پژوهش

1-3 مفاهیم بنیادی تصریف فعل.....39

1-1-3 تصریف.....39

2-1-3 مشخصه‌ی تصریفی.....44

3-1-3 وند و وندافزایی.....45

4-1-3 وندِ تصریفی.....46

5-1-3 روش ترکیبی یا وند-تکواژافزایی.....47

6-1-3 تبلور و عدم تبلورِ صوریِ مشخصه‌هایِ تصریفی.....48

7-1-3 فعل.....49

فصل چهارم - تحلیل داده‌ها

1-4 فعل و مشخصه‌هایِ تصریفیِ آن در زبانِ مازندرانی (گونه‌ی بابلی).....52

1-1-4 زمان.....57

1-1-1-4 زمانِ حالِ اخباری.....60

2-1-1-4 زمانِ حالِ التزامی.....61

3-1-1-4 زمانِ حالِ مستمر.....70

- 71.....4-1-1-4 زمان گذشته‌ی ساده.....
- 73.....5-1-1-4 زمان گذشته‌ی اخباری.....
- 76.....6-1-1-4 زمان گذشته‌ی نقلی.....
- 80.....7-1-1-4 زمان گذشته‌ی بعید.....
- 82.....8-1-1-4 زمان گذشته‌ی بعید نقلی.....
- 83.....9-1-1-4 زمان گذشته‌ی التزامی.....
- 85.....10-1-1-4 زمان گذشته‌ی مستمر.....
- 86.....11-1-1-4 زمان آینده.....
- 67.....2-1-4 و3 شخص و شمار.....
- 87.....2-1-4 و3-1 شناسه‌های زمان گذشته.....
- 89.....2-1-4 و3-2 شناسه‌های زمان حال اخباری.....
- 92.....2-1-4 و3-3 شناسه‌های زمان حال التزامی.....
- 94.....4-1-4 وجه.....
- 94.....1-4-1-4 وجه اخباری.....
- 96.....2-4-1-4 وجه التزامی.....
- 97.....3-4-1-4 وجه شرطی.....

- 97.....4-4-1-4 وجهِ دعایی
- 98.....5-4-1-4 وجهِ امری
- 98.....5-1-4 نمود
- 98.....1-5-1-4 نمودِ کامل
- 99.....2-5-1-4 نمودِ ناقص
- 100.....6-1-4 جهتِ مجهول
- 101.....1-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ گذشته‌ی ساده
- 102.....2-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ گذشته‌ی اخباری
- 103.....3-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ گذشته‌ی بعید
- 103.....4-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ گذشته‌ی التزامی
- 104.....5-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ گذشته‌ی مستمر
- 105.....6-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ حالِ اخباری
- 106.....7-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ حالِ التزامی
- 106.....8-6-1-4 جهتِ مجهول در فعلِ حالِ مستمر
- 107.....7-1-4 نفی

فصل پنجم - نتیجه‌ی پژوهش

111.....1-5 خلاصه و نتیجه گیری

114.....2-5 پیشنهادات

115.....کتاب شناسی

فهرستِ جداول

شماره‌ی صفحه	نامِ جدول
42.....	جدول 1: نحوه‌ی به‌دست‌آوردنِ ستاکِ حال از طریقِ مقایسه‌ی ستاک‌هایِ حالِ التزامی و اخباری
43.....	جدول 2: پسوندها و واج‌هایِ ستاکِ گذشته‌سازِ زبانِ مازندرانی
44.....	جدول 3: نحوه‌ی به‌دست‌آوردنِ ستاکِ گذشته از طریقِ مقایسه‌ی ستاک‌هایِ گذشته‌ی ساده و اخباری
46.....	جدول 4: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ حالِ اخباری
47.....	جدول 5: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ حالِ التزامی
53.....	جدول 6: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ حالِ مستمر
54.....	جدول 7: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی ساده
55.....	جدول 8: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی اخباری
56.....	جدول 9: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی اخباریِ شرطی
58.....	جدول 10: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی نقلی
61.....	جدول 11: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی بعید
62.....	جدول 12: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی بعیدِ نقلی
62.....	جدول 13: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی التزامی
63.....	جدول 14: صرفِ مصدرِ /baxerden/ در زمانِ گذشته‌ی مستمر

نشانه	معادل	نشانه	معادل	نشانه	معادل	نشانه	معادل
p	پ	f	ف	č	چ	i	واکه «ی»
b	ب	v	همخوان «و»	j	ج	e	کسره
t	ت، ط	s	س، ص، ث	r	ر	ē	کسره کشیده
d	د	z	ز، ذ، ض، ظ	l	ل	a	فتحه
k	ک	?	ش	m	م	u	واکه‌ی «و»
g	گ	x	خ	n	ن	â	واکه‌ی «ا»
?	ع، ه	h	ه، ح	y	نیم‌واکه «ی»	o	ضمه

جدول نشانه‌های اصلی به کار رفته در متن رساله

نشانه	معادل نشانه
?	صفر یا تهی
/	یا
//	نشانه‌ی آوانویسی
()	انتخاب آزاد و معنای فارسی مثال‌ها

جمله‌ی بدساخت	*
---------------	---

جدولِ نشانه‌هایِ فرعیِ به کار رفته در متنِ رساله

فصلِ اول

مسئلهٔ تحقیق

در این فصل ابتدا به بیان مسئله‌ی تحقیق، هدف و ضرورت، پرسش‌ها و فرضیه‌ها و نوع و روش اجرای آن پرداخته می‌شود و در ادامه مبانی نظری گویش‌شناسی مطرح می‌گردد. هم‌چنین بخش‌های پایانی فصل به معرفی استان مازندران، شهرستان بابل و زبان مازندرانی اختصاص داده شده است.

1-1-1 بیان مسئله

پدیده‌ی تصریف برطبق نظر قطره (1386، به نقل از اسپنسر¹) یکی از پدیده‌های مهم زبانی و «عبارت است از تغییر در صورت دستوری یا واژ-نحوی واژه یا تکواژ و واژگانی به‌طوری که صورت‌های حاصل بتوانند در مطابقه یا حاکمیت نقش نحوی ایفا کنند». این پدیده به مقوله‌های مختلف زبان چون فعل، اسم، صفت و قید مربوط می‌شود و به اعتقاد ایشان باوجود اهمیت آن در نزد پژوهشگران غربی، این مسئله به‌علت تصریفی‌نبودن زبان فارسی از لحاظ رده‌شناختی، در میان پژوهشگران ایرانی چه در سنت دستورنویسی و چه در بررسی‌های زبان‌شناختی نوین چندان مورد توجه قرار نگرفته و در مواردی هم که به فرایند تصریف پرداخته‌اند، اشاره‌ی مستقیمی به آن نشده است. این عدم توجه پژوهشگران زبان فارسی به تصریف، هم‌چنان که در بخش پیشینه‌ی تحقیق رساله‌ی حاضر خواهیم دید، در پژوهش‌های مربوط به زبان مازندرانی نیز صادق است و باعث انتخاب آن از سوی نگارنده به‌عنوان مسئله‌ای برای پژوهش در رساله‌ی حاضر شده است. اما از آنجایی که پرداختن به هر یک از مقوله‌های تصریف‌پذیر زبان مازندرانی به‌دلیل وسعت کار نیاز به رساله‌ای جداگانه دارد، لذا در رساله‌ی حاضر مسئله‌ی تصریف و مباحث مربوط به آن، صرفاً معطوف به فعل زبان مازندرانی (گونه‌ی بابلی) است. هم‌چنین یادآوری این نکته ضروری است که علی‌رغم عنوان رساله‌ی حاضر که از مازندرانی به‌عنوان «گویش» یاد شده، به دلایلی که در بخش (1-4-1) ذکر خواهد شد، در متن رساله، مازندرانی به‌عنوان زبان در نظر گرفته شده است.

¹-Spencer

2-1-1 هدف پژوهش

رساله‌ی حاضر در نظر دارد تا با بررسی مقوله‌ی فعل در گونه‌ی بابلی زبان مازندرانی، توصیفی در حد امکان صریح و دقیق از این مقوله‌ی مهم زبان ارائه دهد تا از این طریق، مشخصه‌های تصریفی فعل را کشف و شناسایی کند و شیوه‌های تبلور یا نمود صوری و غیر صوری هر یک از این مشخصه‌ها و نشانه‌های صرفی تبلور آن‌ها را مشخص سازد.

3-1-1 ضرورت انجام پژوهش

بررسی پدیده‌ی تصریف فعل در زبان مازندرانی و توصیف صریح و دقیق مشخصه‌ها و نشانه‌های تصریفی آن علاوه بر این که می‌تواند به شناخت هر چه بیشتر و بهتر صرف این زبان بینجامد و ضامن حفظ آن به عنوان تبلور فرهنگ یکی از جوامع زبانی زبان‌های ایرانی که همانند اکثر زبان‌ها و گویش‌های موجود در جغرافیای ایران، بر اثر تأثیرپذیری از زبان فارسی در حال نابودی هستند، باشد هم‌چنین به دلیل شباهت‌هایی که در زمینه‌ی تصریف میان زبان مازندرانی و زبان فارسی وجود دارد، ضرورت دارد تا در جهت روشن ساختن موارد ابهام در صرف زبان فارسی، به آن پرداخته شود.

4-1-1 پرسش‌های پژوهش

در این رساله سعی شده است تا از طریق توصیف صریح مشخصه‌های تصریفی فعل در زبان مازندرانی (گونه‌ی بابلی) پاسخی برای سؤال‌های زیر به دست آید:

- 1- انواع مشخصه‌های تصریفی فعل در زبان مازندرانی کدام‌اند؟
- 2- تبلور هر یک از این مشخصه‌ها در افعال زبان مازندرانی چگونه است؟ صوری یا غیر صوری؟
- 3- در صورت داشتن تبلور صوری، این تبلور از چه نوع است؟ تبلور وندی یا تبلور تکواژی- وندی؟

5-1-1 فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌هایی که پژوهش حاضر در جهت اثبات آن‌ها است به‌قرار زیر است:

1- فعل در زبان مازندرانی دارای هفت مشخصه‌ی تصریفی است که از این میان، مشخصه‌ی زمان دارای بیش-ترین صورت تصریفی می‌باشد.

2- تبلور تمامی مشخصه‌های هفت‌گانه در فعل‌های مازندرانی از نوع صوری است. جز آن‌که مشخصه‌های زمان، وجه و نمود در پاره‌ای موارد تبلور صوری ندارند.

3- مشخصه‌ی زمان، وجه و نمود به شیوه‌های وندی و وند-تکواژی و مشخصه‌های شخص و شمار و نفی به شیوه‌ی وندی تبلور می‌یابد. جهت مجهول نیز در تمامی صیغگان افعال این زبان به شیوه‌ی وند-تکواژی متبلور می‌شود.

6-1-1 نوع پژوهش و روش اجرای آن

پژوهش حاضر به شیوه‌ای توصیفی انجام یافته و برای این کار ابتدا مجموعه‌ی نسبتاً کاملی از افعال و جملاتی که این افعال در آن به کار رفته‌اند، با استفاده از شم زبانی نگارنده به‌عنوان گویشور بومی زبان مازندرانی و هم‌چنین داده‌های به‌دست‌آمده از دو گویشور بابلی این زبان به نام‌های «نادعلی شعبان‌پور» هشتادساله و «خیرالنسا آقاجانی» شصت‌وشش ساله تهیه شده و در ادامه، براساس مباحث نظری مطرح‌شده توسط قطره (1386) در مقاله‌ای با عنوان «مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز»، به شناسایی و توصیف مشخصه‌های تصریفی این فعل‌ها پرداخته شده است.

2-1 مبانی نظری گویش‌شناسی

در این بخش شرح و توضیح پاره‌ای از مبانی گویش‌شناسی از قبیل انواع گویش‌ها و افق‌های نوین در

1-2-1 گویش و گویش‌شناسی

شیری در کتاب «درآمدی بر گویش‌شناسی» (1386) عنوان می‌دارد که اکثر زبان‌شناسان به‌هنگام تمییز زبان از گویش و تفکیک این دو از هم از معیاری استفاده می‌کنند که به آن معیارِ فهمِ متقابل می‌گویند. بر اساس این معیار، گویش‌ها شکل‌هایی از یک زبان هستند که دارای ویژگی‌های زبانی مشترک می‌باشند به این معنا که باوجود برخی تفاوت‌های واجی، واژگانی و دستوری، دارای ساختار و ویژگی‌های مشترک فراوانی هستند به‌طوری‌که گویشوران آن‌ها می‌توانند بدون نیاز به یادگیری و آموزش خاصی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. درواقع زبان مجموعه‌ای از گویش‌ها است که میان گویشوران آن‌ها فهم متقابل وجود دارد.

دبیرمقدم (1387) نیز براساس همین معیار و به‌منظور از بین بردن تشبث و گوناگونی و ایجاد یک‌دستی در کاربرد واژه‌های «زبان»، «گویش»، «لهجه» و «گونه» که از اصطلاحات بنیادی حوزه‌ی مطالعات گویش-شناختی می‌باشند، اصطلاح گویش را این‌گونه تعریف کرده است:

«دو گونه‌ی زبانی که سخن‌گویان آن دو، فهم متقابل دارند اما درعین‌حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری مشاهده می‌شود گویش‌های یک زبان‌اند.»

و اما گویش‌شناسی برطبق تعریف شیری (همان: 40) یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی و دانشی است که به مطالعه، بررسی و توصیف جوانب مختلف گویش‌ها و ثبت و ضبط ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد.

مدرسی (1384) شکل سنتی گویش‌شناسی را مطالعه‌ی تنوعات منطقه‌ای زبان می‌داند و معتقد است که سابقه‌ی آن به یونان باستان و توجه‌شان به تفاوت میان گونه‌های مختلف گفتاری و نوشتاری زبان یونانی باستان برمی‌گردد. به گفته‌ی شیری (همان: 42) گویش‌شناسان سنتی برای مطالعات خود، گویشی را درنظر گرفته و از راه ضبط گفتار یک یا چند گویشور بومی، ویژگی‌های آوایی، واژگانی و دستوری گویش مذکور را

توصیف می‌کنند که البته این نوع از گویش‌شناسی هنوز هم رایج است و موارد کاربرد خاص خود را دارد. اما هم‌زمان با تحولاتی که در قرن بیستم در علم زبان‌شناسی ایجاد شد، گویش‌شناسی نیز دست‌خوش دگرگونی گشت. همچنین ظهور زبان‌شناسی اجتماعی موجب تحولات عمده‌ای در اهداف و شیوه‌های گویش‌شناسی گردید به‌طوری‌که امروزه در گویش‌شناسی نوین، دیگر اصطلاح گویش تنها به گویش‌های منطقه‌ای محدود نمی‌شود بلکه شامل همه‌ی گویش‌های جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و معیار می‌شود.

1-2-2-2 انواع گویش‌ها

سه عامل مکان، زمان و موقعیت جزو عوامل اصلی ایجاد تنوع در زبان می‌باشند. زبان‌ها در مکان‌های مختلف شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرند و تغییر و تحول دائمی زبان نیز موجب می‌گردد تا در زمان‌های مختلف گونه‌های متفاوتی از زبانی خاص به وجود آید. همچنین جایگاه و موقعیت اجتماعی اهل زبان، در شکل و گونه‌ی زبانی آن‌ها مؤثر است و باعث ایجاد گویش‌های خاصی می‌شود. و در کنار همه‌ی این گویش‌ها، گویشی نیز وجود دارد که به‌عنوان گویش رسمی برای آموزش و ارتباط مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین براساس توضیحات فوق، گویش‌های مختلف یک زبان عبارتند از: گویش‌های جغرافیایی یا منطقه‌ای، گویش‌های اجتماعی، گویش‌های تاریخی و گویش معیار.

1-2-2-1 گویش‌های جغرافیایی

گویش‌های جغرافیایی یا منطقه‌ای به گونه‌ها و شکل‌هایی از یک زبان گفته می‌شود که در مناطق جغرافیایی متفاوت، به شکل‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شود. این تفاوت‌ها در برخی از آواها، واژه‌ها و ساخت‌های نحوی می‌تواند وجود داشته باشد اما در نهایت به آن حدی نیست که درک آن برای اهالی مناطق دیگر غیر ممکن گردد. برای مثال زبان مازندرانی که موضوع رساله‌ی حاضر است، دارای سه گویش در نواحی شرقی، میانه